

درباره علی خوش جام مدیر گروه نقاشان دیوار مهریانی و کار دلچسب آن‌ها

# گفتم خودم آرزوی بچه‌ها را برآورده می‌کنم



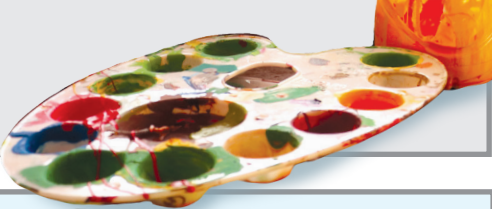
عباسعلی سپاهی یونسی |

روزی که علی خوش جام تصمیم گرفت آرزوی چند نوجوان علاقمند به نقاشی دیواری را برآورده کند، شاید نمی‌دانست راهی را که شروع کرده است به چه جاهای خوبی خواهد رسید. او از مربیان خوب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است؛ اما در کنار کارش و با کمک تعدادی از دوستان هنرمند و البته کودکان و نوجوانان علاقمند به نقاشی، تعداد ۱۵ مدرسه و مراکز مرتبط با کودکان را با نقاشی‌هایشان زیبا کرده‌اند. علی خوش جام که عکاس است و طراح گرافیک، از آن دست آدم‌هایی است که می‌خواهد با مهریانی و هنرش حال بچه‌های کشورش را خوب کند و این چیز کمی نیست.

### روزی که بچه‌ها بامن دردلد کردند

من یک‌ساله مربی کتابخانه سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در استان گیلان بودم. در آن مدت برای اعضای کانون، کتاب می‌بردم و برای کودکان و نوجوانان کارهای فرهنگی و هنری انجام می‌دادم. چون سال‌ها با نوجوانان کار کرده بودم تلاش می‌کردم از آن‌ها کمک بگیرم، این سبب نوعی صمیمیت بین من و بچه‌ها شده بود به‌طوری که گاهی نوجوانان درد دل‌هایشان را به من می‌گفتند. یکی از آرزوهای بچه‌ها این بود که دوست داشتند نقاشی روی دیوار انجام دهند اما مسئول مرکزی که آنجا این کارها را انجام می‌دادم به بچه‌ها گفته بود ما امکانات این کار را نداریم و خلاصه بچه‌ها نتوانسته بودند به آرزویشان برسند. وقتی بچه‌ها از آرزویشان گفتند، به آن‌ها گفتم فکری برای آن می‌کنم و انجامش می‌دهیم. آن روز کمی در این باره فکر کردم و برای رسیدن به نتیجه با نهادهایی از جمله آموزش و پرورش و چند جای دیگر که می‌دانستم می‌توانند کمک کنند صحبت کردم اما متأسفانه نتیجه‌ای نگرفتم. تصمیم گرفتم خودم بچه‌ها را به آرزویشان برسانم.

### یک گروه ۱۰۰ نفره



پس از اینکه چند مدرسه اول را نقاشی کردیم و نتیجه کارمان را دیدیم، برنامه‌ای برای ادامه کار نوشتم تا بدانم چه باید کرد و چه مسیری باید رفت تا برنامه بهتر پیش برود. مثلاً گروهی تشکیل دادم که دوستان علاقه‌مند همراه شوند، درباره شکل همکاری با مدارس فکر کردم و خلاصه در آن نوشته به ابعاد مختلف کاری که پیش رو داشتیم

### مدارسی که به‌ما معرفی می‌شوند

انتخاب مدرسه‌ها برای نقاشی دیواری به این شکل است که دیگران مدرسه‌ها را به‌ما معرفی می‌کنند؛ چون ما این امکان را نداریم که به دنبال شناسایی مدارس برویم. اینکه چگونه مدارس خبردار می‌شوند ما این کار را انجام می‌دهیم هم از چند طریق کار ما دیده می‌شود. اول در فضای مجازی یعنی صفحه‌ای که ما در اینستاگرام داریم، دوم معرفی مدرسه‌ها به وسیله همکارانم در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دیگر مسیرها. وقتی مدرسه‌ای به‌ما معرفی می‌شود از معرفی‌کننده می‌خواهیم از وضعیت دیوارها عکس یا فیلم بفرستد. وقتی مدرسه‌ای پذیرفته شد، باید از یک یا دو ماه قبل برنامه‌ریزی لازم را انجام دهیم، این شامل آماده‌سازی طرح‌ها و نقاشی‌ها، اتو زدن، هماهنگی با دوستان تصویرگر، هماهنگی با مدرسه و باقی ماجراها می‌شود. گاهی هم پیش می‌آید همه این کارها انجام شده و تا مرحله اجرا پیش رفته‌یم اما به دلایلی کار لغو شده است. علت این مشکل هم معمولاً نگاه بعضی از مدیران به این ماجراست که به‌نظرم بیشتر سلیقه‌ای و شخصی است. این را هم بگویم که البته بسیار کم و به‌ندرت پیش آمده اما در همان یکی دو مورد ناراحت شدم، چون می‌توانستیم یک فضای زیبا برای تعدادی از دانش‌آموزان ایجاد کنیم اما این فرصت به‌ما داده نشد.

### بانفری ۳۰ هزار تومان مشکل حل شد

یادم هست در یکی از پروژه‌ها قرار مدها گذاشته شده بود اما حامی مالی برای خرید مواد اولیه پیدا نشد. یکی از دوستان گروه برای حل مشکل پیشنهاد داد هر کدام از اعضای گروه سهمی ۳۰ هزار تومانی را بپردازند تا مشکل حل شود. با این‌آی‌ده خوب در آن پروژه توانستیم مشکلمان را حل کنیم بدون اینکه به کسی از نظر مالی فشاری وارد شود.

هزینه‌هایی که جمع می‌شود فقط برای مواد مصرفی از قبیل رنگ، قلم مو و... مصرف می‌شود و بقیه مسائل مثل غذا و اسکان را مدرسه برعهده می‌گیرد که آن هم با کمک خانواده‌ها انجام می‌شود. هزینه‌های رفت‌وآمد هم با خودمان است که شامل بنزین و چیزی است که در مسیر می‌خوریم.

یک‌بار پدر خانواده‌ای که کار ما را دیده بود شرکت کامپیوتری داشت و حامی مالی ما شد و مدرسه‌ای محروم را در یزد به‌ما معرفی کرد. آن خانواده همه هزینه‌ها از جمله پلिट قطار، اسکان و دیگر موارد را برعهده گرفت تا با این کار بتواند شادی را به بچه‌های مدرسه هدیه دهد و این حس بسیار خوبی به‌ما می‌دهد.

### آرزوی من برای مدارس ایران

ایده من در زمینه نقاشی دیواری مدارس محروم این است این ماجرا در سطح کشورمان فراگیر شود و به یک گروه در تهران خلاصه نشود. دوست دارم همان‌طور که گفتم گروه‌هایی در استان‌ها و شهرهای دیگر کشورمان شکل بگیرند تا با همت و ذوق هنرمندان تصویرگر و نقاش، مدارس کشورمان به‌خصوص در مناطق محروم دوست‌داشتنی‌تر شوند و بچه‌ها از حضور در فضای مدرسه لذت ببرند. دوست دارم این یک حرکت خودجوش و مردمی باشد تا آن‌هایی که پای کار می‌آیند با دل و جان این مسیر را ادامه دهند و به نوعی وظیفه اداری نشود. نهادهای و ادارات دولتی می‌توانند از این حرکت حمایت کنند به‌ویژه در بخش مالی. این یک واقعیتی است که بحث مالی در هر پروژه‌ای جزو اولویت‌هاست به‌خصوص در کار ما که باید رنگ و مواد و ابزارهای لازم دیگر را خرید. این را هم بگویم ما از اولین تا آخرین پروژه که انجام داده‌ایم مشکل مالی داشتیم، هر چند شکر خدا به لطف آدم‌های مهربان برای تمام پروژه‌ها مشکل مالی برطرف شد.

### تماس باسه‌دوست تصویرگر

برای شروع کار با سه نفر از دوستان تصویرگر کودک و نوجوان یعنی سحر حقگو، شیرین شیخی و لاله ضیایی که تصویرگری‌های آن‌ها به کتاب‌های درسی هم راه پیدا کرده بود تماس گرفتم. خوشبختانه با روی باز پیشنهادم را پذیرفتند. چون مربی سیار بودم و مدارس روستاهای مختلف را می‌شناختم، ایده‌ام را با مدیران مدارس مطرح کردم و خوشبختانه آن‌ها هم استقبال کردند. برای اینکه وسایل و رنگ خریداری شود نیاز به یک حامی مالی داشتیم. در این مورد هم با یکی از استادانم، خانم زندیه مشورت کردم و ایشان هزینه مالی کار را بر عهده گرفت. خلاصه سه مدرسه برای شروع کار انتخاب شد. رنگ، قلم و دیگر مواد مورد نیاز برای نقاشی دیواری خریداری شد و با حضور این سه دوست تصویرگر و نوجوانان علاقه‌مند، کار را در منطقه رودبار شروع کردیم. استارت کار ما سال ۹۷ و البته در اوج گرمای تابستان زده شد. نوجوانان همراه با پروژه، به علت علاقه فراوان به نقاشی روی دیوار واقعاً ذوق زده شده بودند. یادم هست گفتند تصور نمی‌کردیم روزی کنار تصویرگرانی که نقاشی‌های آن‌ها را در کتاب‌های درسی خودمان دیده‌ایم، روی یک دیوار نقاشی بکشیم! انگار رؤیایی بچه‌ها به حقیقت پیوسته بود. بچه‌هایی که به کمک آمده بودند، چون عضو کانون بودند کمی تجربه هم داشتند اما در طول کار در کنار تصویرگران کتاب کودک پخته‌تر شده بودند.

پرداخته شد. در حال حاضر گروهی تلگرامی با حدود ۱۰۰ عضو داریم.

بعضی از این افراد حامی مالی ما هستند، بعضی از اعضای گروه دوستان تصویرگری هستند که برای انجام پروژه، تصویر اهدا می‌کنند و بعضی از دوستان هم در اجرای کارها روی دیوار به ما کمک می‌کنند.

### با ماشین خودمان سفر می‌رویم

هر پروژه جدید ابتدا در گروه اصلی که ۱۰۰ نفریم اعلام می‌شود. پس از اینکه داوطلب انجام پروژه پیدا شد، گروه کوچک‌تری برای همان پروژه تشکیل می‌شود و آنجا درباره مسائل، زمان حرکت و دیگر موارد بحث و هماهنگی می‌شود. مثلاً یک ماه پیش گروه کوچکی از داوطلبان برای پروژه بعدی که در جوانرود انجام خواهد شد، تشکیل داده‌ایم. برای رفت‌وآمد هم غیر از یک بار که از قطار استفاده کردیم، برای بقیه پروژه‌ها با ماشین شخصی خودمان سفر رفته‌یم. یک مسئله مهم درباره این پروژه‌ها بحث حامی مالی هر پروژه است، چون هر روز شاهد گرانی مواد اولیه نقاشی هستیم که شامل رنگ، قلم‌ها و بقیه موارد می‌شود. البته هزینه‌های سفر هم ارزان نیست برای همین اگر به‌طور مثال برای اولین پروژه ما ۲ میلیون تومان نیاز بود، آخرین پروژه با ۱۰ میلیون تومان انجام شد. هزینه‌های اجرای هر پروژه ممکن است کمی با همدیگر تفاوت داشته باشد. بستگی به مترازی دارد که قرار است نقاشی شود و همچنین تکنیک نقاشی. دیوارهای بعضی از مدارس برای نقاشی کشیدن نیاز به زیرسازی دارد و این سبب می‌شود هزینه کار بالا برود، اما در بعضی از دیوارها هم به این زیرسازی‌ها نیازی نیست و قاعدتاً هزینه کار کمتر می‌شود.



### اگر یک نفر پا پیش بگذارد

در حال حاضر سه مدرسه به‌ما پیشنهاد شده اما چون یکی از این مدرسه‌ها در کهگیلویه و بویراحمد است و با ما فاصله زیادی دارد نمی‌توانیم آن پروژه را انجام دهیم. در استان خراسان رضوی هم پیشنهادی از شهر سرخس گرفته‌ام که باز هم به علت دوری راه نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. وقتی چند پیشنهاد از شهرهای دورتر از تهران گرفتیم و امکان این نبود خودمان به آن شهرها سفر کنیم، این ایده به ذهنم رسید که در همان استان‌ها و شهرها گروه‌هایی را شکل دهیم و از گروه شکل گرفته حمایت کنیم. در حال حاضر خوشبختانه بچه‌های اصفهان استارت این کار را زده‌اند و من از این بابت خیلی خیلی خوشحالم. پیشنهاد پروژه کهگیلویه و بویراحمد را با دوستان اصفهانی مطرح کردیم، چون مدرسه موردنظر با آن‌ها ۶ ساعت فاصله دارد اما با ما که از تهران باید برویم ۱۲ ساعت. برای همین آن پروژه را دوستان اصفهانی می‌توانند اجرا کنند. به‌نظرم پروژه‌های مختلف در شهرها و روستاهایی که با تهران فاصله زیادی دارند هم می‌توانند انجام شوند به شرطی که گروه‌های شهرستانی شکل بگیرند و یک نفر بگیر کار شود.

وقتی یک گروه منسجم شکل گرفت اگر برای نفر اول مشکلی پیش آمد بقیه گروه می‌توانند کار را پیش ببرند؛ این تجربه‌ای است که خودم داشتم.ام. مثلاً یکی از پروژه‌های ما مدرسه بچه‌های کار در افسریه بود. در زمان موعود من نمی‌توانستم برای آن پروژه بروم اما خانم لاله ضیائی قبول کرد کار را هماهنگ کند و خوشبختانه آن پروژه هم به‌خوبی انجام شد.



### استراحت

### تعطیل

در این پروژه‌ها زمان کمی برای استراحت داریم و حتی گاهی شب هم باید کار کنیم تا پروژه به پایان برسد. معمولاً شهرهای دور را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنیم که مصادف با تعطیلی باشد، چون دوستانی که با بنده همکاری می‌کنند جایی شاغل هستند و نمی‌توانند مر تب مرخصی بگیرند.



پروژه‌هایی که انجام داده‌ایم فقط در مدارس نیست، مثلاً در مرکز نگهداری از کودکان صرع، بعضی از مراکز حمایتی از کودکان که زیرنظر بهزیستی فعالیت می‌کنند و مرکز نگهداری از بچه‌های طلاق و... هم پروژه اجرا کرده‌ایم اما بیشترین فعالیت ما در مدرسه‌ها بوده است.

ایده من در زمینه نقاشی دیواری مدارس محروم این است این ماجرا در سطح کشورمان فراگیر شود و به یک گروه در تهران خلاصه نشود.

### تعقیب و گریزی در شب

در یکی از روستاهای اطراف تهران اجرای نقاشی دیواری داشتیم. قرار بود یکی از دوستان ساعت ۹ شب به جمع ما اضافه شود. دوستان با ماشین شخصی‌اش شب به روستا می‌رسد غافل از اینکه چند وقت قبل با ماشینی شبیه ماشین او تعدادی گوسفند از روستا دزدیده شده بود. به‌طور اتفاقی در همان شب‌ها روستاییان دنبال گرفتن دزد بودند. وقتی دوست ما وارد روستا می‌شود با ما در تماس بود که آدرس محل اسکان را بپرسد اما هم‌زمان تعدادی از مردم روستا که برای گرفتن دزد آمده بودند با دیدن ماشین غریبه به سمت ماشین می‌روند. از طرف دیگر، دوست ما فکر می‌کند چند نفر روستایی می‌خواهند خفت‌گیری کنند برای همین فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد. خلاصه تعقیب و گریزی شبانه شکل می‌گیرد. روستاییان وقتی می‌بینند دوست ما فرار کرده فکر می‌کنند همان دزد است و هر طور شده باید او را بگیرند! خلاصه من توانستم دهیار را پیدا کنم و دهیار به هر شکلی که بود ماچرا را به تعقیب‌کنندگان رسانده بود. اما در آن ماجرا خسارت‌هایی به ماشین دوستان وارد شد.